

آراء خاورشناسان

سیرامون سنت نبوی

مؤلف

سعد المرصفي

مترجمان:

واحد بکرائی (مدرس دانشگاه)

حامد مرادی

فهرست

صفحه	عنوان
۷	پیش‌گفتار مترجمان
۱۱	مقدمه
۱۹	فصل اول: درآمیخته‌های خاورشناسی و خاورشناسان
۱۹	۱-۱ مفهوم استشرق، پیدایش آن
۲۶	۲-۱ مراحل نویسندگی و کتابت آن توسط مستشرقان
۲۶	۳-۱ غارت نسخه‌های خطی و کتب عربی
۲۸	۴-۱ برگزاری کنفرانس‌ها
۲۸	۵-۱ مرحله‌ی جدید
۲۹	۶-۱ همراهی استشراق با لشکرکشی استعماری
۷-۱	ورود آهسته‌ی خاورشناسان بر حلقه‌های علمی و ادبی طلبی‌شان از
۳۰	برخی عرب‌های مسیحی
۳۱	۸-۱ نقش صهیونیسم در خاورشناسی
۳۱	۹-۱ غارت مستمر و مداوم
۳۲	۱۰-۱ دستیاران ویرانگر
۳۵	۱۱-۱ انکار نزول قرآن از جانب خداوند
۳۶	۱۲-۱ تشکیک در درستی و صحت رسالت حضرت رسول ص
۳۷	۱۳-۱ انکار الهی بودن دین اسلام

۱۴-۱	تشکیک در صحت حدیث نبوی.....	۳۹
۱۵-۱	تشکیک در ارزش و اعتبار فقه اسلامی.....	۴۰
۱۶-۱	تشکیک در توانایی و غنای زبان عربی.....	۴۱
۱۷-۱	به شک واداشتن مسلمانان در مورد ارزش میراث تمدنیشان.....	۴۲
۱۸-۱	ضعیف ساختن اطمینان مسلمانان به فرهنگ و تمدنشان.....	۴۲
۱۹-۱	اشتباه خاورشناسان و علت آن جهل به عربیت و دوری از زندگی اسلامی.....	۴۳
۲۰-۱	گزیده ای کینه توزانه و متعصبانه.....	۴۴
فصل دوم: شبهات پیرامون مفهوم سنت و تدوین آن.....		
۴۹	مقدمه.....	۴۹
۱-۲	مفهوم سنت.....	۴۹
۲-۲	مفهوم حدیث.....	۵۶
۳-۲	جدایی سنت و حدیث.....	۵۷
۴-۲	شبهات متناقض.....	۵۹
۵-۲	تقلید (رسم و رسوم).....	۶۲
۶-۲	اصطلاح مشرکانه (اصطلاح خرافی).....	۶۳
۷-۲	تناقضگویی و سخنان بیهوده.....	۷۰
۸-۲	ادعاهای خاورشناسان.....	۷۲
۹-۲	جهل مرکب.....	۸۰
فصل سوم: کج فهمیها و عدم آگاهی خاورشناسان در رابطه با سند و		
۸۷	متن حدیث.....	۸۷
۸۷	مقدمه.....	۸۷
۱-۳	مفهوم سند حدیث.....	۸۷

۲-۳	ارزش و جایگاه سند	۸۸
۳-۳	آغاز استعمال اسناد	۹۱
۳-۴	الزام و اجبار راویان مبنی بر ذکر سندها	۹۱
۳-۵	خاورشناسان و اسناد	۹۳
۳-۶	یک دیدگاه عجیب!	۹۴
۳-۷	مفهوم متن:	۹۹
۳-۸	خاورشناسان و متن:	۱۰۰
۳-۹	روش نقد انجیل‌ها:	۱۰۵
۳-۱۰	ایر د شبیه را کردار نبوی:	۱۱۰
۳-۱۱	خاتمه:	۱۲۰
	(الف) روشهای بررسی:	۱۲۶
	(ب) شاخه‌های علوم و تفکر اسلامی:	۱۲۸
	(ج) گامهای آماده سازی اطلاعات و مراجع:	۱۲۹
	(د) آماده سازی و نوشتن:	۱۳۱
	(ه) مراجعه و دقت نظر:	۱۳۱
	(و) توزیع و انتشار مشخص:	۱۳۲
	(ز) چاپ و نشر و ترجمه:	۱۳۲
	هنیت علمی پروژه:	۱۳۳
	مهم‌ترین منابع و مآخذ:	۱۳۴

پیشگفتار مترجمان

قال الله "العظیم فی کتابه: «ما کان لمومن و لا مؤمنه اذا قضی اللہ و رسوله امر ان ینکون لہم الخیرہ من امرہم و من یعص اللہ و رسوله فقد ضل ضالاً مبیناً»^۱

شریعت مقدس اسلام بر اساس دو منبع ارزشمند یعنی قرآن و سنت پایه گذاری شده است که احکام شرعی، حقوقی، مسائل فکری، اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی اسلام از این دو گنجینه ی گرانسنگ لہ استخراج می گردند. البتہ علمای اصول فقہ چند منبع دیگر (عقل و اجماع و قیاس و ...) اضافه نموده اند. کہ مجتہدین باید استنباط مسائل اسلامی را بہ ترتیب مورد بحث و مذاقہ قرار می دهند.

بسیار واضح است کہ قرآن کریم در اولویت قرار دارد. سنت چیزی برخلاف قرآن نیست بلکہ بہ منزلی مفسر این قانون اسلام اسلام است.

^۱ - «و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد کہ چون خدا و فرستادہ اش بہ کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و ہر کس خدا و فرستادہ اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراہی آشکاری گردیدہ است» احزاب ۳۵

اهمیت سنت به عنوان دومین سند دین‌شناسی و گسترده‌ترین منبع اسلامی بر هیچ کس پوشیده نیست، چنانکه تلاش‌های فراوان و گسترده مسلمانان در حفظ، کتابت، گردآوری، تنظیم، شرح و نشر آن در طول تاریخ جای تردیدی باقی نگذاشته است.

خاورشناسان به طور کلی اهمیت سنت پیامبر (ص) را در اسلام و در قرآن کریم به طور خاص درک و فهم کرده‌اند و خوب می‌دانند که صلب زدن به آن، لطمه زدن به قرآن و بلکه صدمه زدن به خود اسلام است.

در برخی از دو، های تاریخ اسلامی، فرقه‌ها و نحله‌هایی ظاهر شدند که به انکار سنت، نری پرداختند. گروهی از آنها به طور کلی سنت را رد کردند و بر این باور بودند که نیازی به آن ندارند و قرآن برای آن‌ها کفایت می‌کند و گروهی دیگر معتقد به حجیت داشتن بخشی از سنت بودند، جای تردیدی نیست که این دو دیدگاه از راه حق منحرف شدند.

اولین کسی که بر این مذاهب انحرافی و شدت‌زدانان تاخت و آراء و شبهات آن‌ها را رد کرد؛ امام شافعی بود، این نحله‌ها در حال انقراض بودند که گروهی از خاورشناسان و پیروانشان در کشورهای عربی و اسلامی ظاهر شدند و به اصول و ارکان اسلام هجوم آوردند.

در این برهه، سنت نبوی به عنوان دومین مصدر تشریع بعد از قرآن در نزد مسلمانان؛ بر آن‌ها پوشیده نماند و با طعن و تملیق شبهات

به مطالعه و بررسی این مهم پرداختند، از علل اصلی توجه خاورشناسان به مطالعه سنت نبوی، وجود احادیث جعلی در لایه لای احادیث، مسئله منع کتابت حدیث در قرن اول و کوتاهی کارهای پژوهشی مسلمانان در برخی از زمینه‌ها مثل عدم نقد و بررسی کتب حدیثی فریقین بود، که سبب شد مطالعات خاورشناسان در این حوزه‌ای هم اسلامی با شبه‌افکنی همراه شود و گروهی از مسلمانان را تحت تأثیر آراء خود قرار دادند.

از قرن نوزدهم تا ربع اول قرن بیستم، این نوع مطالعات از سوی حکومت‌های عربی پشتیبانی می‌شد. خاورشناسان در موضوعات مهمی چون تاریخ، تفسیر قرآن، حدیث، ادبیات و تمدن به مطالعه پرداختند.

هریلو خاورشناس فرانسوی (۱۶۶۹-۱۶۹۵) در قرن هفدهم اولین کسی بود که درباره سستی‌بوی اظهار نظر کرد؛ اما فعالیت‌های گسترده‌ی آنها از ابتدای قرن نوزدهم با ترجمه‌ی احادیث اهل سنت به زبان لاتین آغاز شد. در این صد و پنجاه سال اخیر نام دو تن در این عرصه هم چنان پر آوازه است یکی اگناس گلدزیهر و دیگری جوزف شاختوبود به طوری که در آثار خاورشناسان بعدی تأثیر افکار و اندیشه‌های این دو مستشرق کاملاً مشهود است.

در مجموع آراء و ایرادهای خاورشناسان در این باره دو بازتاب مهم در جهان اسلام داشته است:

اول اینکه این حرکت، جنبشی را در میان محققان مسلمان ایجاد کرد که در طی پنجاه سال اخیر، قریب به صدها کتاب در موضوعات مختلف حدیث پژوهی مانند تدوین و کتابت حدیث، نقد متن و سند در پاسخ به خاورشناسان تالیف کرده‌اند.

بازتاب دوم تاثیر منفی و انفعالی است که دامنگیر برخی از محققان مسلمان شده و در حد افراطی به انکار حدیث منجر شده است، و نگاه‌های برخی از پژوهشگران مسلمان در زمینه حدیث چون احمد امین توفیق صدیقی و محمود ابوریه تحت تاثیر آراء خاورشناسان شکل گرفته است؛ چنانکه شکل گیری مکتب‌هایی مانند القرآن‌یون نیز ناشی از دلریات خاورشناسان است.

بایسته است محققان اسلامی به برگزاری کنگره‌ها و کنفرانس‌های ویژه‌ای در زمینه خطریات خاورشناسان و مستغریان حول منابع اساسی در اسلام و به تیره آنچه که مربوط به سنت شریف نبوی است، پردازند.

درپایان از تمامی کسانی که در ترجمه این اثر ارزشمند ما را به انحاء مختلف کمک کرده‌اند من جمله آقایان رضا و راه بن اسروده و علاءالدین جماعتی، سپاسگزاریم.

واحد بکرائی

حامد مرادی

۱۳۹۳/۰۸/۱۸

مقدمه:

زندگی، جنگ بین حق و باطل است. اراده و مشیت الهی نیز بر این است که مومنان با انواع بلاها امتحان شوند. و نیز اراده بر این است که پیروزی و استیلا همیشه از آن کسانی باشد که ثابت قدم و پایدار هستند این ثبات، به جانه انسانی می‌بخشد و سبب علو ذات انسانی می‌شود و جوهر و نهاد فرد را نورانی و صفا می‌بخشد و به عقیده و اعتقاد بشر، معنا و سرزندگی می‌بخشد به نفعی که در چشم دشمنان و معاندان آن (آن عقیده) می‌درخشد.

از قدیم الایام مسلمانان با دشمنان سرسخت، امدهان شده‌اند به طوری که نهایت حيله و نیرنگ و انواع دسیسه‌ها و توطئه‌ها را برای از بین بردن اسلام و از میان برداشتن حاکمیت اسلام به کار گرفتند و این زمانی بود که عقیده‌ی امت اسلامی در چشمانشان درخشش گرفت، پس از هیچ گونه تلاش و کوششی (برای مخالفت) دریغ نکردند.

بنابراین از یک سو دشمنی و عداوتشان را به صورت آشکارا علنی ساختند و از سوی دیگر شیوه‌های مختلف دسیسه و نیرنگ را به کار گرفتند و در قدم اول تیرهای دشمنی‌شان را به سمت تشکیک در قرآن، نشانه رفتند.

ولی این شک این گونه از بین می‌رود که اثبات شده، علت ناخذاری قرآن به قرآن به این خاطر است که قرآن بر سر زبان‌ها تلاوت می‌شد و وجه تسمیه قرآن به کتاب نیز به این جهت بود که قرآن به راستی انسان‌ها تدوین شد در حالی که هر دو تسمیه همانطور که مرحوم آیت الله محمد عبدالله دراز^۱ می‌گوید: تسمیه‌ی شیء است بر اساس آنچه که در آن گذشته است. و این در حالی است که در تسمیه‌ی قرآن به این دو اسم «قرآن و کتاب»، اشاره‌ای است به این که در این دو جایگاه عنایت، خواهی به ثبت و حفظ قرآن شده است و این گونه نیست که توجه فقط به یک جایگاه باشد. به عبارت دیگر به طور همزمان قرآن هم قرائت می‌شد و در سینه‌ها حفظ شد و هم به صورت نوشتار ثبت می‌گشت. که اگر یکی از این دو رویکرد به خطا می‌رفت، رویکرد دیگر آن را یادآوری می‌نمود.

به خاطر این دو نوع اهتمام ویژه (قرائت و حفظ شفاهی-کتابت و حفظ کتبی) که خداوند در نفوس امت اسلامی قرار داد- امتی که به پیامبر ص اقتدا کردند- قرآن در یک جایگاه محفوظ باقی ماند، و تحقق

۱- النبأ العظيم، ۱۲-۱۴ با تصرف.

حفظ قرآن همان وفای عهد الهی مبنی بر تکفل بر حفظ قرآن است به گونه‌ای که می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱ بر اساس مطالب یاد شده، قرآن به سرنوشت کتابهای پیشین از قبیل؛ تحریف و تبدیل و انقطاع سند دچار نشد چرا که خداوند موظف به حفظ کتابهای پیشینیان نبود بلکه خداوند حفظ کتب پیشین را به دست انسان سپرد و در این زمینه می‌فرماید: «وَالرَّبَّائِيُونَ وَالْأَخْبَارُ بِمَا اسْتُخْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»^۲

راز این گونه اختلاف بین کتب پیشین با قرآن در این است که سایر کتابهای آسمانی رایج مدت معلوم و موقت آمده‌اند نه برای ابد و جاودانگی. در مقابل قرآن به تائید کننده کتب پیشین است و معتبرتر و بزرگتر از آنهاست و در ادامه تمامی حقایق ثابت می‌باشد، همچنین قرآن بر حقایق کتب قبلی به دلیل آنچه که خداوند اراده بر زیادتش داشت افزود و آن را غلبه و حکم فرما ساخت و تقدیر این گونه بود که قرآن به عنوان حجتی تا برای همیشه باشد. اما پیروان کتب پیشین و دیگران، کسانی هستند که شایدترین دشمنی و کجروی را دارند و به خاطر کینه و حسادتشان بیشتر

۱- بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود» سوره حجر، آیه ۹.

۲- «و [همچنین] الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده» سوره مائده، ۴۴.

تلاش را در مسیر تشکیک در قرآن کریم روا داشته‌اند و شروع به حیل و فریب برخی از جوانان نمودند، هم چنین مزدوران و عوامل فتنه‌انگیز را در چهره انسان‌های دلسوز به کار می‌گرفتند اما با این وجود نتوانستند غل و غش و تحریفی را در قرآن کشف کنند. و با تمام این عوامل نتوانستند چیزی را به این کتاب محفوظ [قرآن] وارد کنند کتابی که هیچ گونه حمایتی از جانب منتسبین به آن وجود نداشته و زمانه از این کتاب دور شدند و بعد از آن، تعالیم و احکام این کتاب (قرآن) را پشت سر انداختند، همانند گیاه خشکیده زیر سیلاب شدند، گه نای که نه از آنها دفاع می‌کرد نه مانع آنها می‌شد و نه به آنها نفع می‌رساند این مسئله برای بار دیگر بر ربانیت این کتاب اشاره دارد و این مانت گزاهی می‌دهد بر این که قرآن کریم تنزیلی است از جانب خداوند قادر - حکیم.

در مرحله‌ی بعد معاندان اسلام دشمنان ایشان را متوجه سنت نبوی کردند و برای رسیدن به هدف‌های پستشان روش‌های متعددی را به کار گرفتند. گروه‌های تبشیری و مستشرقان نیز از این فرصت استفاده کرده و ایرادهای اینان (معاندان اسلام) و دیگران را اتم کردند و در آتش عداوت نسبت به اسلام دمیدند و هر آنچه را که هوا و هوسشان می‌طلبید بر ایرادات اضافه کردند. با این حال تلاشهای

ناموفقشان را در راستای گرایش‌ها و موضع‌گیری‌های برابر با هم، می‌توان در موارد زیر مجسم نمود^۱:

۱- دشمنی با اسلام و پژوهش در مورد نقاط ضعف بسیار موهوم در اسلام و ابراز آن و نیز این که گمان می‌کنند دین اسلام از یهودیت و نصرانیت گرفته شده است....!

۲- پوشانیدن حقایق اسلام از غیر مسلمانان و تلاش برای برحذر داشتن مسلمانان از شناخت آن حقایق....!

۳- ترساندن مسلمانان و تلاش برای ارتداد آنان از دینشان. بدون شک خطرناک‌ترین، جسورترین^۲، خبیث‌ترین و فاسدترین خاورشناسان در میدان است. آق همان یهودی مجارستانی «گلدزیهر» می‌باشد که در نسل‌های گذشته به عنوان شیخ خاورشناسان شناخته شده بود و همواره کتابها و پژوهش‌هایش مرجعی مفید و بزرگ برای خاورشناسان این عصر می‌باشد. نویسندگانش از جمله حدیث در دائرة المعارف اسلامی مستشرقان، در مورد گلدزیهر این چنین می‌نویسد: «همانا علم، دین بزرگی به خاطر دست نوشته‌های گلدزیهر در موضوع حدیث، برگردن دارد. تأثیر گلدزیهر در جریان پیشرفت علمی اسلامی و خاورشناسی بسیار بزرگ است. به طوری که برای هر کدام

۱- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به الاستشراق و الخلفیه الفکریه للصراع الحضاری، ص ۷۲؛ و دائرة المعارف الاسلامیه، ص ۱۳ و ۳۹۰ و مابعد آن.

۲- نگاه کنید به کتاب السنه و مکاتنها، ص ۱۸۹.

از خاورشناسان هم عصر خود، بزرگ و مهم به شمار می رود. و گرایش قاطعی را در این زمینه تعیین نمود که پژوهش در این میدان (اسلام شناسی) را متحول کرد.^۱

بگانمولر عمل گلدزیهر را در میدان خاورشناسی این گونه خلاصه می کند و می گوید: «همانا گلدزیهر با تعمق ترین و آگاه ترین عالم، به حایت نبوی می باشد!! و در بخش دوم از کتابش با عنوان (پژوهش در محمدی) موضوع تحول حدیث را به صورت عمیق مورد بحث قرار می دهد. و به واسطه ی علم عمیق و آگاهی وصف ناپذیرش موفق گردید که تحولات داخلی و خارجی حدیث را با تمامی جوانب بحث نماید. مزیتی عمیقش نسبت به ریشه و اصل حدیث او را به سوی سبک در حایت نبوی سوق داد و نتوانست به حدیث اطمینان کند همانطور که دوزی - Doziy - همواره در کتابش [گفتاری در تاریخ اسلام] انجام داد و با... خجسته گلدزیهر بخش اعظم احادیث را در نتیجه تحول دینی - تاریخی و اجتماعی اسلام در قرن اول و دوم می داند!! پس حدیث به طور نسبی نمی تواند به عنوان سندی برای تاریخ اسلام در دوران اولش - دوران صفوات حدیث - مطرح شود، بلکه آن اثری از آثار قوم یهود است که در جامعه ی اسلامی در دوران های مراحل اولیه ی روبه رشد عهد اسلامی ظاهر

۱- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به الاستشراق و الخلفیه الفکریه للصراع الحضاری، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ و دائره المعارف الاسلامیه، ص ۱۳ و ۳۹۱.

شد! گلدزیهر همچنین تحول تدریجی برای حدیث متصور می‌شد و معتقد بود که این چگونه با روح تاریخ سازگار است؟! و نسل‌های مختلف چگونه بر این سنت عمل می‌کردند؟!

به این ترتیب ایرادات و شبهاتشان را پیرامون مفهوم سنت و نحوه تدوین آن، ابراز کردند و به همین منوال جهل و نادانی‌هایشان را پیرامون سند و متن حدیث، ارائه کردند!

با این اوصاف درمی‌یابیم که گرایش مستشرقان در مورد سنت نبوی-علی‌هم‌السلام تا سه‌هزار سال بعد از وفات آن بزرگوار (همانطور که در ادامه بیان خواهد شد) تأکید و پافشاری زایدالوصف بر این موضوع است و این سند نیازمند مقابله‌ی جدی‌تر بر اساس اصول علم حدیث یعنی روایت و درایت حدیث-می‌باشد. اگر چه که ارائه شبهات مستشرقان و تأکید بر آن، سبب بروز بسیاری از مشکلات شده که بعضی از پژوهشگران را به ستوه آورده است، و بسیاری از دانش‌آموختگان در برابر آماج این شبهات واپس‌گرایانه‌اند. اما با این وجود واجب‌ترین حقی که بر گردن ما می‌باشد این است که با این شک و شبهت پاسخ دهیم و موهوم بودن آن سخنان بی‌اساس را تبیین کنیم و این گونه حرف‌های باطل را به باعث و بانیانش برگردانیم تا کمک کنندگان به انهدام و نابودی دین را از میان برداریم.

و صراحت و حقانیت دین اسلام را بیان کنیم تا دوران سلف صالح (دوران شکوه و عظمت اسلامی) را تجدید کنیم.

روش تحقیق ما ایجاب می‌کند که موضوعات مورد بحث، مشتمل بر فصول ذیل باشد:

فصل اول: فرازهایی از شرق‌شناسی و مستشرقان

فصل دوم: شبهات خاورشناسان پیرامون مفهوم سنت و تدوین

آن.

فصل سوم: عدم شناخت صحیح پیرامون سند و متن روایات

و اثبات اسناد: التوفیق و السداد. والعون والرشاد انه سمیع مجیب

کتبت ۱۴۰۰/۰۹/۲۱ هجری

۱۹۹۰/۴/۷۴ م

سعد محمد محمد الشیخ (المرصفی)